

اخلاق گرایبی نه قانون گذاری: سهم اخلاق در پهنه خانواده

Moralism not Legalism: Share of Ethics in Family Legislations

A. R. Pour Esmaeili, Ph.D.

دکتر علیرضا پوراسماعیلی ✉

استادیار دانشگاه تربیت معلم سبزواری

M. Mozaffari

مصطفی مظفری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دریافت مقاله: ۸۸/۷/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۴/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۰/۷/۱۶

Abstract

Family is the center of love and kindness and the laws and regulations shall not interrupt this sacred institution, because no legislator may levy indispensable laws to offer love and kindness and force the family members to love. Hence, Article 10 of the Iran's Constitution regards the ethical share in the family and planners are recommended to simplify the family formation procedure. In fact, family is formed based on traditions, beliefs and morals and the share of these beliefs and ethics compared to the laws and regulations

چکیده:

خانواده، کانون گرم مهر و محبت و عشق‌ورزی است و پای قوانین و مقررات بدان کوتاه؛ زیرا هیچ قانون‌گذاری نمی‌تواند برای عشق و محبت نورزیدن ضمانت اجرا بگذارد و ممتنع را به عشق‌ورزی وادارد. از این روست که اصل دهم قانون اساسی به سهم عوامل اخلاقی در خانواده توجه کرده، برنامه‌ریزان را به ساده کردن تشکیل خانواده سفارش می‌کند. در واقع، خانواده بر پایه سنت‌ها، باورها و اخلاق استوار است بنابراین باورها و اخلاق در آن در مقایسه با قانون و مقررات سهم بیشتری دارند و هر جا قانون‌گذار در نهاد خانواده دستی برده، نتایجی به بار آورده که به بنیان خانواده آسیب رسانیده است.

✉ Corresponding Author: sabzevar teacher training university, faculty of theology, law department.
Tel: +9809155719116
Email: aresmaili@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: دانشگاه تربیت معلم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه حقوق
تلفن: ۰۹۱۵۵۷۱۹۱۱۶
پست الکترونیکی: aresmaili@yahoo.com

is crucial and wherever the legislator manipulates the fundamentals of the family, damaging results are manifested.

This paper is an attempt to look for the share of ethical factors in the family. Also, it tries to test the accuracy of the theory that the jurists are not willing to apportion the same weight for marriage in Fiqh-Islamic jurisprudence- as compared with other legal institutions and to apply general rules of contract, since they have properly found that family is affected by morality and fundamentals of the family are based on ethics.

Keywords: ethics, family, kindness, marriage portion, right of lien, worship.

این نوشتار پی‌جوی سهم عوامل اخلاقی در خانواده است و با این رویکرد، نیم‌نگاهی هم به لایحه جدید حمایت از خانواده افکنده است. از این‌رو، نمونه‌های جدی و شایعی را برگزیده تا درستی این نظر را محک زند که فقیهان در فقه نخواستند نکاح را با دیگر نهادهای حقوقی برابر دانسته و قواعد عمومی قراردادهای آن اجرا کنند؛ زیرا به درستی دریافته‌اند که خانواده از اخلاق تأثیر می‌پذیرد و بنیان آن بر پایه اخلاق استوار است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، خانواده، مهر، حق حبس، عبادت.

رابطه نستوهی و رضامندی زناشویی در زوج‌های جوان ایرانی

The Study of Hardiness and Marital Satisfaction in Iranian Newlyweds

M. Shivarani, M. A.

منا شیورانی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

P. Azad Fallah, Ph.D. ✉

دکتر پرویز آزادفلاح ✉

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

A. Allahyarri, Ph.D.

دکتر عباسعلی اللهیاری

استادیار دانشگاه تربیت مدرس

دریافت مقاله: ۸۹/۱/۲۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۴/۷

پذیرش مقاله: ۹۰/۴/۲۹

Abstract

Assessment of personality constructs and psychological variables as influential factors in marital satisfaction has attracted plenty of researchers' attention. In this field, the study of hardiness variable as a personality characteristic is important. In this study, 100 married women who lived in a university dormitory in Tehran were selected. Subjects filled out "ENRICH marital satisfaction questionnaire" and "Personal Views Survey (P.V.S.)". Data were analyzed using regression analysis.

چکیده:

ارزیابی نقش سازه‌های شخصیتی و متغیرهای روان‌شناختی در رضامندی زناشویی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده است. در این حوزه، متغیر نستوهی اهمیت قابل توجهی دارد. این مطالعه صد نفر از زنان متأهل ساکن در خوابگاه‌های متأهلی یکی از دانشگاه‌های تهران را در برمی‌گیرد که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. این گروه صد نفری دو پرسشنامه «رضامندی زناشویی انریچ» و «زمینه‌یابی دیدگاه‌های شخصی» را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

✉Corresponding author: Psychology Dept. of Tarbiat Modares University.
Tel: +9821-82880
Email: azadfa_p@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، بزرگراه جلال‌آل‌احمد، زیر پل نصر (گیشا)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه روان‌شناسی

تلفن: ۰۲۱-۸۲۸۸۰

پست الکترونیکی: azadfa_p@yahoo.com

Statistical results indicated that hardiness was significantly related to marital satisfaction and predicted it. Furthermore, stepwise regression implicated that commitment component of hardiness mainly predicted the total marital satisfaction and most of its subscales. The second important factor was control component, and finally challenge component entered the analysis. As expected, results admitted more marital satisfaction in hardy personalities.

Keywords: hardiness, marital satisfaction, newlyweds.

نتایج بررسی‌های آماری نشان داد سازه شخصیتی نستوهی با رضامندی زناشویی، همبستگی مثبت و معناداری دارد و آن را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مؤید آن بود که مؤلفه تعهد از متغیر نستوهی بیشترین سهم را در پیش‌بینی نمره کل رضامندی زناشویی و اکثر زیرمقیاس‌های آن دارد. پس از آن مؤلفه کنترل و در نهایت مؤلفه چالش‌طلبی در تعیین رضامندی زناشویی و زیرمقیاس‌های آن سهم دارند. نتایج این پژوهش همسو با پیشینه پژوهشی، نقش نستوهی را در تعدیل تنیدگی و مواجهه و مقابله مؤثر با عوامل تنیدگی‌زا تأیید می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: رضامندی زناشویی، زوج‌های جوان

رابطه بین دلبستگی ایمن کودک و عوامل رفتار مادرانه

The Relationship between Child's Secure Attachment and Factors of Maternal Behavior

Sh. Tabaeh emami ✉

A. Nouri, Ph.D.

M. Malekpour, Ph.D.

A. Abedi, Ph.D.

شیرین تبعه امامی ✉

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر ابوالقاسم نوری

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر مختار ملک‌پور

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر احمد عابدی

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۸۹/۷/۲۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۱۱/۴

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲۲

Abstract

The purpose of this research was to study the correlation between child's secure attachment and factors of maternal behavior. 60 mother-child clusters were randomly selected from mothers who had at least one child within the age range of 1-5. The data gathering instruments included two questionnaires: Attachment Q-Sort (AQS) and Maternal Behavior Rating Scale.

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین دلبستگی ایمن کودک و ابعاد رفتار مادرانه بود. ۶۰ زوج مادر- کودک به صورت تصادفی خوشه‌ای از بین مادران اصفهانی که دارای حداقل یک فرزند، حداکثر ۵ و حداقل ۱ ساله بودند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه بود: پرسشنامه کیو - ست دلبستگی (آ.کیو.اس) و مقیاس درجه‌بندی رفتار مادرانه. برای تحلیل داده‌ها، روش‌های توصیفی، روش پروتوتایپ و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی (به روش گام به گام) استفاده شد.

✉Corresponding author: esfahan, university of esfahan, department of psychology.
Tel: +9891233173656
Email: s_m204@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکترای نویسنده مسئول است.
✉ نویسنده مسئول: اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۳۳۱۷۳۶۵۶
پست الکترونیک: s_m204@yahoo.com

Prototype and hierarchical regression analysis (stepwise) were used to analyze the collected data. Results showed that there are positive and significant relationships between secure attachment of a child and factors of maternal behavior. Also, analyzing the subscales indicated that there are positive and significant relationships between the child's secure attachment and sensitivity, warmth and joy in the maternal behavior.

Keywords: child's attachment, maternal behavior, Q-set.

و نتایج نشان دادند که دلبستگی ایمن کودک با ابعاد شور و شوق و سرزندگی و مسئولیت از ابعاد رفتار مادرانه رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین تحلیل زیرمقیاس‌ها نشان داد که دلبستگی ایمن کودک با حساسیت، گرمی و لذت موجود در رفتار مادرانه رابطه مثبت و معناداری دارد.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی کودک، رفتار مادرانه، کیو - ست

اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر خوداثرمندی والدینی مادران

Effectiveness of Positive Parenting Program Training on Mothers' Parental Self-Efficacy

A. Talei, M. A.✉

K. Tahmasian, Ph.D.

N. vafai, B.A.

علی طالعی ✉

کارشناس ارشد مشاوره مدرسه

دکتر کارینه طهماسیان

عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

نرگس وفائی

کارشناس کودکان استثنایی

دریافت مقاله: ۸۹/۲/۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۶/۸

پذیرش مقاله: ۹۰/۴/۱۹

Abstract

Low parental self-efficacy can result in child maltreatment and some effects on the socio-emotional, cognitive and physical development of children. It also can affect the parents' psychological adjustment. This study aimed to determine the effectiveness of positive parenting program (Triple-P) on mothers' parental self-efficacy. The study was an experimental research (pretest, post-test) with a control group.

چکیده:

خوداثرمندی والدینی اشاره به باورها یا قضاوت‌های یک والد از توانمندی‌هایش جهت نظم‌دهی و اجرای یک سری از تکالیف مربوط به والدگری با کودک را دارد. احساس خوداثرمندی ضعیف در والدین می‌تواند مقدمه‌ای بر بدرفتاری با کودک و تأثیرات سوء بر رشد اجتماعی، هیجانی و شناختی کودک باشد و نیز می‌تواند عملکرد و سازگاری روان‌شناختی والدین را تحت تأثیر قرار دهد. این مطالعه با هدف اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر خود-اثرمندی والدینی مادران صورت گرفته است.

✉Corresponding Author: counselling section, education organization, farhang square bardaskane.
Tel: +98532-7229742
Email: a.t_counselor@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: بردسکن، میدان فرهنگ، اداره آموزش و پرورش، بخش مشاوره
تلفن: ۰۵۳۲-۷۲۲۹۷۴۲
پست الکترونیکی: a.t_counselor@yahoo.com

The sample consisted of 24 mothers of 7-9 years-old daughters. Participants completed the Parental Self-Efficacy Questionnaire and Strengths & Difficulties Questionnaire (SDQ). The experimental group received 8 sessions of triple-p while the control group received no specific training. Results of ANCOVA revealed a significant difference ($p < 0/05$) in the mean scores of the groups. Positive parenting program was shown to have affected the mothers' parental self-efficacy through providing them opportunity for appropriate parenting modeling, developing positive child-parent relationship, social support and incorporating the level of knowledge and mothers' abilities. Some limitations of the study, suggestions for future research, and practical implications are discussed.

Keywords: parental self-efficacy, Positive Parenting Program, parents training.

این پژوهش از نوع تجربی و به صورت پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل است.

نمونه پژوهش شامل ۲۴ نفر از مادران دختران ۷ تا ۹ ساله شهر بردسکن در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ است که به صورت تصادفی و هم‌تاسازی شده در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفته‌اند. اعضای گروه آزمایش به مدت ۸ هفته، هر هفته یک جلسه، به مدت ۲ ساعت در جلسات برنامه فرزندپروری مثبت شرکت کرده در حالی که گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکردند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه خوداثرمندی والدینی و پرسشنامه توانایی‌ها و مشکلات بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری t مستقل و تحلیل کوواریانس استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس نشان داد که میانگین نمرات در دو گروه، بعد از برنامه آموزش، دارای تفاوت معناداری در سطح $P < 0/05$ است. به طور کلی می‌توان گفت که برنامه فرزندپروری مثبت توانسته است از طریق تقویت رفتارهای مثبت کودکان به وسیله مادر، الگوسازی والدگری مناسب، تلفیق سطح دانش و توانایی مادران، ایجاد تعاملات مؤثر والد-کودک و فراهم آوردن حمایت اجتماعی، سطح خوداثرمندی والدینی مادران را ارتقاء بخشد.

کلیدواژه‌ها: خوداثرمندی والدینی، برنامه فرزندپروری مثبت، آموزش والدین.

اثربخشی برنامه پرنده کوچولو بر بهبود سلامت عمومی مادران کودکان اتیستیک*

The Effectiveness of the 'Little Bird' Program in the General Health of Mothers with Autistic Children

R. Khorram Abadi, M. A. ✉

راضیه خرم‌آبادی ✉

کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر

H. Pouretamad, Ph.D.

دکتر حمیدرضا پورا اعتماد

دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی شهید بهشتی

A. Mazaheri, Ph.D.

دکتر علی مظاهری

دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی شهید بهشتی

M. Deghani, Ph.D.

دکتر محسن دهقانی

دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده

S. Khosroshahi, M.A.

صنم باقریان خسروشاهی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی

دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۷/۱

پذیرش مقاله: ۸۹/۱۲/۶

چکیده:

Abstract

Many studies have shown that the family of autistic children, especially their parents, experience great stress and face psychological problems. Therefore it is better to use programs that focus not only on children but also on parents. One of these programs is the 'Little Bird'.

بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند که خانواده‌های کودکان اتیستیک، به خصوص والدین آن‌ها با استرس شدیدی مواجه می‌شوند و دچار مشکلات روان‌شناختی می‌گردند. بنابراین به‌کارگیری مداخلات درمانی که علاوه بر کودک والدین را نیز مدنظر دارند، شایان توجه است.

*این پژوهش با حمایت مالی قطب علمی خانواده انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: بوشهر، دانشگاه خلیج فارس

تلفن: ۰۷۷۱۴۲۲۳۳۹

پست الکترونیک: Rkhorramabadi@yahoo.com

✉ Corresponding author: Persian Gulf University
Bushehr, Iran

Tel: +98771-4222339

Email: Rkhorramabadi@yahoo.com

The Little Bird Program is a parent-focused program designed to help parents understand and work with their autistic children. The aim of this study was to investigate the effectiveness of the Little Bird program on improving the mothers' mental health of autistic children. The research design was quasi-experimental with an experimental and control groups. The sample comprised 24 mothers. The General Health Questionnaire 3 times: a week before the intervention, in the 16th week and a month after the intervention. Data were analyzed using the repeated measure ANOVAs. The results showed that the Little Bird program has a significant effect on improving the mothers' mental health. Programs which try to modify the mothers' attitudes and perceptions about problematic behaviors of their children can increase their potential to cope with parental tasks and this, in turn, can decrease mothers' parental stress and improve their mental health.

Keywords: Little Bird Program, mothers with autistic children, general health, depression, anxiety.

یکی از این برنامه‌ها پرنده کوچولو است که در این تحقیق اثر آن بر سلامت عمومی مادران کودکان اتیستیک سنجیده شده است. تحقیق از نوع شبه آزمایشی است که در آن یک گروه آزمایش و یک گروه کنترل مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بدین‌منظور ۲۴ مادر کودک اتیستیک انتخاب شدند که در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند، شیوه نمونه‌گیری به‌صورت هم‌تاسازی بود. مداخله روی گروه آزمایش اجرا و گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفت. در هفته قبل از اجرای برنامه، در هفته شانزدهم (هفته اتمام برنامه) و یک‌ماه پس از اجرا پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) به دو گروه آزمایش و کنترل داده شد و در انتها نتایج دو گروه مقایسه گردید. داده‌های بدست آمده با روش آماری تحلیل واریانس با استفاده از اندازه‌های مکرر صورت گرفت. نتایج نشان دادند برنامه بر بهبود سلامت عمومی اثرگذار بوده است.

برنامه با تصحیح بازخوردها و ادراک‌هایی که والدین نسبت به رفتارهای دشوار فرزندشان داشته‌اند، به افزایش توانایی مقابله در رویارویی با وظایف والدگری منجر شده و کاهش استرس والدینی و در نتیجه بهبود سلامت روان را به دنبال داشته است.

کلیدواژه‌ها: برنامه پرنده کوچولو، مادران کودکان اتیستیک، سلامت عمومی، افسردگی، اضطراب.

بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان

The Relationship of Original Family Function and Quality of Life among Students

M. Ghamari, Ph.D. ✉

A. H. Khoshnam

دکتر محمد قمری ✉

استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

امیر حسین خوشنام

مربی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

دریافت مقاله: ۸۹/۷/۲۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۱/۲۲

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۸

Abstract

The purpose of this study is to determine the relationship between family function and quality of life among university students. The method used is descriptive. The sample comprises 317 university students using random cluster sampling. The tools of data collection includes the Family Assessment Device (FAD) and the Quality of Life (SF-36) questionnaires. Collected data were analyzed by means of Pearson correlation coefficient, and stepwise regression analysis. The results show that there is a negative and reverse relationship between disorder in family function and quality of life ($r=-0.381$).

چکیده:

هدف تحقیق حاضر تعیین رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی است. روش تحقیق از نوع توصیفی است. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۱۷ دانشجو که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین کلیه دانشجویان انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ابزار سنجش خانواده (FAD) و پرسشنامه کیفیت زندگی (SF-36) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین اختلال در عملکرد خانواده و کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معکوس وجود دارد. ($r=-0.381$)

✉Corresponding Author: Department of human science, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran
Tel: +9809125116280
Email: ghamari.mo@abhariau.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، گروه مشاوره
تلفن: ۰۹۱۲۵۱۱۶۲۸۰
پست الکترونیکی: ghamari.mo@abhariau.ac.ir

There were also negative and reverse relationships between dysfunction in all components of family function (General function, problem solving, communication, roles, affective accompanying, behavior control, and affective closeness) and quality of life ($r=-0.37, -0.27, -0.25, -0.32, -0.25, -0.33, -0.29$ respectively). Also the results obtained from regression analysis indicate that about 14% of quality of life variance in students is determined by components of general function and behavior control. It is suggested that students' quality of life may be enhanced by improving their family function via educational and counseling programs.

Keywords: family function, quality of life, university students.

بین اختلال در هر یک از ابعاد عملکرد خانواده (عملکرد کلی، حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و آمیزش عاطفی) و کیفیت زندگی دانشجویان رابطه معکوس وجود دارد (۲) به ترتیب $-0/369, -0/272, -0/251, -0/32, -0/247, -0/328, -0/29$.

به منظور پیش‌بینی کیفیت زندگی از روی ابعاد عملکرد خانواده از تحلیل رگرسیون گام با گام استفاده شد که نتیجه نشان داد حدود ۱۴ درصد از تغییرات کیفیت زندگی در دانشجویان را ابعاد عملکرد کلی و کنترل رفتار تبیین می‌کنند. برای ارتقای کیفیت زندگی دانشجویان می‌توان عملکرد خانواده آن‌ها را از طریق برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: عملکرد خانواده، کیفیت زندگی، دانشجویان

بررسی ارتباط سبک فرزندپروری ادراک شده، راه‌های دانستن و مباحثه‌طلبی دانشجویان

Investigating The Relationship Between Perceived Parenting Style, Ways of Knowing and Students Argumentativeness

S. Ahmadi✉

Sh. Pakdaman, Ph.D.

M. Heidari, Ph.D.

سمیه احمدی✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر شهلا پاکدامن

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود حیدری

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۶/۲۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۱۲/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۲

Abstract

Arguments may be found in almost all interpersonal relationships in a society. They play an important role in the social and personal lives of people. Therefore, it seems necessary to identify some factors which enhance or inhibit argumentativeness. The purpose of this study is to investigate the relationship between perceived parenting style, ways of knowing and students' argumentativeness in a sample of 401 subjects who completed the scales of argumentativeness, attitude toward

چکیده:

تقریباً در همه روابط بین فردی در متن زندگی اجتماعی می‌توان ردپایی از مباحثه یافت. با توجه به نقش سازنده‌ای که خصیصه مباحثه‌طلبی در زندگی فردی و اجتماعی افراد ایفا می‌کند، این نکته حائز اهمیت به نظر می‌رسد، عواملی که موجب رشد و بازداری این ویژگی می‌شوند مورد شناسایی قرار گیرند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط سبک فرزندپروری ادراک شده، راه‌های دانستن و مباحثه‌طلبی دانشجویان در نمونه‌ای متشکل از ۴۰۱ آزمودنی دختر و پسر صورت گرفت.

✉Corresponding author: Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran
Tel: +9809159159923
Email: ssahmadiii@gmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
تلفن: ۰۹۱۵۹۱۵۹۹۲۳
پست الکترونیک: ssahmadiii@gmail.com

thinking and learning and also the parenting style questionnaire. Findings indicate that children of authoritative parents are more willing to separate knowing and demonstrate higher levels of argumentativeness than those of authoritarian parents. In addition, this study indicates a significant difference between men and women in ways of knowing, suggesting that men are more willing to separate knowing than women. However, there is no relationship between sex and argumentativeness. Consequently, according to the results obtained, it is manifested that parenting style and ways of knowing affect children's argumentativeness.

Keywords: perceived parenting style, ways of knowing, students' argumentativeness.

آزمودنی‌ها به مقیاس‌های مباحثه‌طلبی، نگرش به یادگیری و تفکر و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری پاسخ دادند.

یافته‌های پژوهش نشان دادند، فرزندان والدین مقتدر در مقایسه با والدین مستبد گرایش بیشتری به مباحثه‌طلبی و دانستن مجزا دارند. نتایج پژوهش هم‌چنین تفاوت معنادار افراد دو جنس را در متغیر راه‌های دانستن نشان می‌دهد؛ مطابق این یافته پسران در مقایسه با دختران میانگین بالاتری در دانستن مجزا دارند، این در حالیست که بین جنس افراد و مباحثه‌طلبی ارتباطی یافت نشد. مطابق یافته‌های فوق سبک فرزندپروری والدین و راه‌های دانستن هر دو در تعیین میزان مباحثه‌طلبی فرزندان تأثیرگذار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک فرزندپروری ادراک شده، راه‌های دانستن، مباحثه‌طلبی دانشجویان

مقایسه کارکرد خانواده و هیجان ابراز شده در خانواده‌های بیماران
مبتلا به آرتریت روماتوئید و اسکیزوفرنی

**A Comparison of Family Function and Expressed Emotion in
Families with Rheumatoid Arthritis Patients and Families with
Schizophrenia Patients**

M. Mohseni, M.A. ✉

مصطفی محسنی ✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

N. Chimeh, Ph.D.

دکتر نرگس چیمه

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

L. Panaghi, Ph.D.

دکتر لیلی پناغی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

N. Mansoori, M.A.

نادر منصوری

کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۷/۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۲/۵

پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۳۱

Abstract

The aim of this study is to compare family function and expressed emotion in families with rheumatoid arthritis (RA) and schizophrenic patients. Statistical population is families of patients with RA and schizophrenia in Loghman and Taleghani hospitals in Tehran from June to November 2010.

چکیده:

هدف پژوهش حاضر مقایسه کارکرد خانواده و هیجان ابراز شده در خانواده‌های دارای بیمار آرتریت روماتوئید با خانواده‌های دارای بیمار اسکیزوفرنی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه خانواده‌های دارای بیمار آرتریت روماتوئید و اسکیزوفرنی مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های لقمان و طالقانی شهر تهران در فاصله زمانی خرداد تا آبان ماه سال ۱۳۸۹ می‌باشد.

✉Corresponding author: Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran
Tel: +9809363940040
Email: mohsenisafa@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی
تلفن: ۰۹۳۶۳۹۴۰۰۴۰
پست الکترونیک: mohsenisafa@yahoo.com

Samples were selected through accessible sampling and consist of 82 families with RA patients and 80 families with schizophrenic patients. In order to assess family function and expressed emotion, caregivers were asked to complete the Family Assessment Device (FAD) and the Family Questionnaire (FQ). One sample t-test, independent-sample t-test and MANOVA were applied to analyze the collected data. Results show that family function and expressed emotion were significantly different in families of RA and schizophrenic patients. General family function, problem solving, emotional responsiveness and emotional over-involvement had higher means in schizophrenic patients' families than RA patients' families. But differences in communication, roles and behavior control were not significant. Also means of expressed emotion in criticism and emotional over-involvement dimensions are higher in families with schizophrenic patients than families with RA patients. Family functions in both groups of families were inefficient. Families with schizophrenic patients indicate more dysfunctions and problems in domains of problem solving, emotional responsiveness and emotional involvement in comparison with families with RA patients. Furthermore, criticism and emotional over-involvement patterns are used more in families with schizophrenic patients compared with families with RA patients.

Keywords: family function, expressed emotion, Rheumatoid Arthritis, Schizophrenia.

نمونه پژوهش شامل ۸۲ خانواده دارای بیمار آرتریت روماتوئید و ۸۰ خانواده دارای بیمار اسکیزوفرنی بودند که به صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل ابزار سنجش خانواده و پرسشنامه خانواده است که مراقبین بیمار آن‌ها را تکمیل کردند.

داده‌ها با استفاده از روش آزمون t یک گروهی، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند کارکرد خانواده و هیجان ابراز شده در خانواده‌های بیماران آرتریت روماتوئید و اسکیزوفرنی تفاوت معناداری دارد. کارکرد کلی خانواده، حل مسئله، پاسخگویی عاطفی و آمیختگی عاطفی در خانواده‌های بیماران اسکیزوفرنی ناکارآمدتر از خانواده‌های بیماران آرتریت روماتوئید می‌باشد. ولی بین ابعاد کارکردی ارتباطات، نقش‌ها و کنترل رفتار تفاوت معناداری مشاهده نشد. هم‌چنین هیجان ابراز شده در دو بعد انتقادگری و درگیری بیش از حد عاطفی در خانواده‌های بیماران اسکیزوفرنی بیشتر از خانواده‌های بیماران آرتریت روماتوئید می‌باشد. بنابراین کارکرد خانواده در خانواده‌های هر دو گروه ناکارآمد می‌باشد. خانواده‌های بیماران اسکیزوفرنی در حوزه حل مسئله، پاسخگویی عاطفی و آمیختگی عاطفی نسبت به خانواده‌های بیماران آرتریت روماتوئید مشکلات بیشتری دارند. علاوه بر این انتقادگری و آمیختگی عاطفی بیش از حد بیشتری در ارتباط با بیمار به کار می‌برند.

کلیدواژه‌ها: کارکرد خانواده، هیجان ابراز شده، آرتریت روماتوئید، اسکیزوفرنی